

## تحلیل محتوای کتب فیلمنامه‌نویسی: نقد و بررسی روان‌شناختی

### مؤلفه‌های شخصیت بیمارگون

سیما رسولی<sup>۱</sup>، غزال زند کریمی<sup>۲\*</sup>، فرشاد عسگری کیا<sup>۳</sup>

#### چکیده

هدف از مطالعه حاضر استخراج، نقد و بررسی مؤلفه‌های ذکر شده و ذکر نشده شخصیت بیمارگون در کتب آموزشی فیلمنامه‌نویسی بر اساس کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم بود. روش پژوهش از نوع کیفی با تکنیک تحلیل محتوای شی‌یه و شانون با رویکرد متعارف بود. در این پژوهش کتب داستان، ساختار، سبک و اصول فیلمنامه‌نویسی نوشته رابرت مک کی، چگونه فیلمنامه بنویسیم به نوشته سیدفیلد و راهنمای فیلمنامه‌نویس به نوشته سیدفیلد، به عنوان نمونه از بین کتب آموزشی این رشته در نظر گرفته شدند. نتایج حاکی از استخراج داده‌ها، شامل دو کد نظری ثبات شخصیت و بروز شخصیت بود. در رابطه با کدنظری ثبات شخصیت، کدهای محوری ثبات صفات و ثبات ژنتیکی استخراج گردید. در رابطه با کدنظری بروز شخصیت نیز که شامل شخصیت بیمارگون است، کدهای محوری عدم کنترل تکانه، عملکرد میان‌فردی مختل، عاطفه مختل، شناخت مختل، جذابیت سطحی و غیرقابل پیش‌بینی، استخراج گردید. یافته‌ها نشان دادند، کدهای الگوی صفات، الگوی شناختی غیرمنعطف، الگوی هیجانی غیرمنعطف، کنترل تکانه غیرمنعطف و عملکرد میان‌فردی غیرمنعطف بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم در کتب فیلمنامه‌نویسی وجود دارند و در عین حال، کدهای الگوهای فرهنگی متفاوت و الگوهای زیستی بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم در کتب موجود نیستند و در شخصیت‌پردازی به آن‌ها توجه نشده است.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا، شخصیت بیمارگون، فیلمنامه‌نویسی، کدهای نظری، مؤلفه‌های

شخصیت.

۱. کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشکده رفاه، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده رفاه، تهران، ایران (نویسنده مسئول: zandkarimi@Refah.ac.ir).

۳. استادیار سینما، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

## Content Analysis of Screenwriting Books: Psychological Review of Morbid Personality Components

Sima Rasouli<sup>1</sup>, Ghazal Zandkarimi<sup>2\*</sup>, Farshad Asgarikia<sup>3</sup>

### Abstract

The aim of the present study was to extract, criticize and evaluate the mentioned and unmentioned components of the pathological personality in script writing training books based on the Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, fifth edition. The research method was of qualitative type with object content analysis technique and Shannon with conventional approach. In this research, the books Story, Structure, Style and Principles of Screenwriting written by Robert McKee, How to Write a Screenplay written by Sidfield and Screenwriter's Guide written by Sidfield were considered as examples of educational books in this field. The results indicated that data extraction included two theoretical codes of personality stability and personality emergence. In relation to the theoretical code of personality stability, the core codes of trait stability and genetic stability were extracted. In relation to the theoretical code of personality emergence, which includes pathological personality, the core codes of lack of impulse control, impaired interpersonal functioning, impaired emotion, impaired cognition, superficial and unpredictable attractiveness were extracted. The findings showed that there are codes of traits pattern, inflexible cognitive pattern, inflexible emotional pattern, inflexible impulse control and inflexible interpersonal functioning based on DSM-5 in script writing books, and at the same time, there are codes of different cultural patterns and patterns Biology based on DSM-5 are not available in the books and they have not been considered in the characterization.

**Keywords:** Content analysis, Pathological personality, Personality components, Scriptwriting, Theoretical codes.

---

<sup>1</sup> Master's degree, Department of Psychology, Refah University College, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Psychology, Refah University College, Tehran, Iran.

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Cinema, Soura College, Tehran, Iran.

### مقدمه

سینما یکی از تأثیرگذارترین و کارآمدترین قالب‌های نمایشی عصر حاضر است و شاخه‌ای از هنر است که می‌تواند جنبه‌های مختلف واقعیت را به مردم نشان دهد و به دلیل ابهام در شناخت<sup>۱</sup> و شخصیت‌پردازی<sup>۲</sup> از باطن و درون انسان‌ها، برای حل این معضل از علم روان‌شناسی که به بررسی رفتار عینی می‌پردازد، بهره می‌گیرد. به همین دلیل هم‌گرایی سینما به عنوان هنری که پیامی را به مخاطب خود القا می‌کند و روان‌شناسی به عنوان علمی که بیان‌کننده ذهن و روان همین مخاطب است، شاخه‌ای را تحت عنوان روان‌شناسی در سینما بنا نهاده است که بر پایه گستره تحقیقات میدانی و مطالعات بنیادین قرار دارد (دیانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸؛ ترجمه موسوی و گنجی، ۱۳۹۸، ۲۵).

با توجه به تعریف شخصیت که می‌توان آن را مؤلفه اختصاصی و برجسته استدلال و تفکر، هیجان و رفتار دانست که شیوه و رویه تعامل شخص با محیط اجتماعی و فیزیکی‌اش را پدید می‌آورد، محوری‌ترین مفهوم چه در روان‌شناسی و چه در فیلم‌نامه‌نویسی، شخصیت است که ناظر بر ساختار انسان است؛ بر همین اساس، از اقدامات مهم یک نویسنده بررسی وجوه شخصیت بر اساس زوایا و دیدگاه‌های متفاوت است، اما مهم‌ترین بُعد یک شخصیت که در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت، بُعد روانی آن از منظر مؤلفه‌های ناهنجار آن است که در تحلیل رفتارها و کنش‌وری‌های شخصیت در یک درام از اهمیت بالایی برخوردار است. این ابعاد روانی را می‌توان به هیجان، شناخت، روابط بین فردی<sup>۴</sup> و کنترل تکانه<sup>۵</sup> تقسیم کرد (انجمن روانپزشکی آمریکا<sup>۶</sup>، ۲۰۲۱: ۸۶۹). بنابراین معمولاً نویسنده برای خلق نخستین الگوی شخصیتی خود، ویژگی‌ها و خصوصیات اساسی را که تجلی‌کننده آن شخصیت است مطرح می‌کند و آن را به‌طور عمده از تجربه، نوع زیست، نحوه الهام از تخیل و تحقیقات میدانی خود مانند: یاری گرفتن از روانشناس، صاحبان فن و غیره دریافت می‌کند. اما باید برای تبدیل شدن آن الگو به یک شخصیت باورپذیر و جذاب، آن را با علم روان‌شناسی که برای شخصیت‌بهنجار، نابهنجار و انواع تیپ‌های شخصیتی دارای مؤلفه است، پیوند بزند. بدین جهت برای تعیین مؤلفه‌های یک شخصیت بیمارگون که بر اساس تعریف انجمن روانپزشکی آمریکا (۲۰۲۱: ۸۷۰) مدلی با

1. Cognition
2. Characterizations
3. Diang
4. Interpersonal Relationships
5. Impulse Control
6. American Psychiatric Association

ثبات از تجارب درونی فرد و رفتارهایی است که به طور واضح از فرهنگ و انتظارات جامعه فاصله دارد. الگوهای شخصیت غیرمنعطف‌اند، در نوجوانی یا اوایل بزرگسالی در فرد بروز می‌کنند، در طول زمان پایدارند و به آزار و رنجش شخصی و یا نقص در عملکرد منجر می‌شوند، را طراحی نماید. لذا برای طراحی یک شخصیت منسجم، باید از کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم<sup>۱</sup> که یک نوع طبقه‌بندی اختلالات روانی به همراه معیارهای مرتبط با آن است، بهره گرفت.

بر این اساس، سینماگری که با مفاهیم و فرایندهای روان‌شناختی و شخصیت‌پردازی منطبق بر اصول و قواعد روانی‌شناسی داشته باشد بهتر می‌تواند محتوا و هدف مورد نظر خود را در نوع برخورد کاراکتر با موانع موجود در فیلمنامه از لحاظ علمی و تجربی منطقی سازد و به مخاطب خود انتقال دهد. عمده‌ترین مشکل در کتاب‌های فیلمنامه‌نویسی، کمبود اطلاعات مرتبط با شخصیت و شخصیت‌پردازی است. علت این امر در این موضوع است که متأسفانه کتاب‌های آموزشی فیلمنامه‌نویسی، با وجود اشارات بسیاری که نویسندگان این کتب در بحث اهمیت مؤلفه شخصیت داشته‌اند، بسیار جسته و گریخته و تنها با مثال، به توصیف و توضیح یک شخصیت پرداخته‌اند و اصول و قواعد مدون و ساختارمندی از این مؤلفه و انواع خلق مرتبط با آن را بیان نکرده‌اند. در نتیجه، شناختی از یک شخصیت دارای اختلال نیز به خواننده منتقل نمی‌شود. در این بین، پژوهش‌های متعددی برای خلق یک شخصیت جذاب و گیرای دارای اختلالات بیمارگون از طریق تحلیل کاراکترهای اصلی بر اساس علم روان‌شناسی انجام شده است و طبق مطالعه حسن‌لی و پیرصوفی املشی (۱۳۹۶): (۶۱) هدف از پژوهش بسیاری از پژوهشگران، صرفاً توصیفات موجود در آثار متعدد داستانی بوده و نتوانسته‌اند علل شکست و یا موفقیت نویسنده را برای آفرینش یک شخصیت جذاب بیان کنند. همین موضوع موجب شده بسیاری از پژوهش‌ها و مطالعات در این زمینه نتوانند کمکی به بهبود خلق شخصیت و شخصیت‌پردازی موفق کنند. البته باید این نکته را نیز در نظر گرفت که عواملی نسبی از جمله: عدم وجود معیارهای شخصیت‌پردازی موفق، عدم وجود الگویی دقیق و آشکار، اختلاف سلیقه و نظر در میان مخاطبان و منتقدان و غیره وجود دارند که داوری و قضاوت قطعی را دچار مشکل می‌کنند. با توجه به ادبیات پژوهشی مطرح شده می‌توان گفت در پژوهش‌های داخلی به خصوص در سال‌های اخیر بیشترین مطالعات، مرتبط با تعیین مؤلفه‌های شخصیت بیمارگون در مورد شخصیت‌های داستانی از جمله رمان و یا شاهنامه صورت گرفته است و بسیار اندک

1. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition (DSM-5)

به تحلیل شخصیت‌های یک فیلم پرداخت شده است. با توجه به نکات مطرح شده، این سؤال پیش می‌آید که با توجه به مؤلفه‌های شخصیت بیمارگون ذکر شده بر اساس کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم، آیا می‌توان خلاءهای موجود در فصول شخصیت کتب فیلمنامه‌نویسی را کشف کرد یا خیر؟ بنابراین این پژوهش قصد دارد با بررسی و تحلیل محتوای فصول مرتبط با شخصیت در کتب رایج در میان فیلمنامه‌نویسان به این پرسش‌ها پاسخ دهد که

۱. مؤلفه‌های ذکر شده شخصیت بیمارگون در کتب مطرح شده فیلم‌نامه‌نویسی کدامند؟
۲. مؤلفه‌های ذکر نشده شخصیت بیمارگون در کتب مطرح شده فیلمنامه‌نویسی کدامند؟

### پیشینه پژوهش

برای نمایش بهترین الگوی شخصیتی راه‌هایی وجود دارد که می‌توان ارتباط تنگاتنگ شخصیت‌ها و وضعیت جامعه از طریق رویکرد جامعه‌شناختی برای شخصیت‌های داستانی را واری نمود. یکی از این راه‌ها تحلیل کاراکتر و تعیین اختلالات روانی و یا عقده‌های روان رنجوری شخصیت‌های فیلم یا فیلمنامه است که متأسفانه با بررسی پایان‌نامه‌ها و مقالات داخلی در سال‌های اخیر، مشخص شد که به جز فاطمی ویشکا سوقی و دادخواه (۱۳۹۷: ۱۲) که به تحلیل شخصیت پارانوئید سیامک در فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم پرداخته‌اند، در هیچ پژوهش داخلی دیگری به تحلیل شخصیت و مؤلفه‌های بیمارگون آن کاراکتر در فیلم یا فیلمنامه پرداخته نشده است. اما مطالعات خارجی ابعاد گسترده‌تری از این دست مطالعات را پوشش می‌دهد.

یکی از شخصیت‌هایی که در حوزه روان‌شناسی و اختلالات روانی در سال‌های اخیر بسیار بحث برانگیز بوده است، شخصیت جوکر<sup>۱</sup> است. پژوهش‌های بسیاری برای تحلیل اختلالات شخصیتی این کاراکتر صورت گرفته است که می‌توان به پژوهشی که توسط اسکریابین<sup>۲</sup> (۲۰۲۰: ۳۲۹) با عنوان «تجزیه و تحلیل جوکر: تلاشی برای ایجاد تشخیص یک نماد فیلم» انجام شده، اشاره کرد. نویسنده برای بررسی نشانه‌های اختلال روانی جوکر از راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم استفاده کرده است. البته آسیب‌شناسی روانی و شخصیتی آرتور بسیار مبهم است و ترکیبی پیچیده از ویژگی‌های شخصیتی غیرعادی نشان می‌دهد. نویسنده با بررسی معیارهای اختلال

1. Joker  
2. Skryabin

شخصیت ضداجتماعی به درستی اذعان می‌دارد که که آرتور فردی مبتلا به اختلال شخصیت ضداجتماعی نیست، ولی علائم اختلال شخصیت خودشیفته را به طور کامل بروز می‌دهد. اما یکی از موضوعات مهمی که در بحث اختلالات شخصیت می‌توان به آن اشاره کرد، شروع علائم از نوجوانی و صفات همخوان با ایگوی فرد است. بدین معنا که فرد بیمار نسبت به بیماری‌اش پذیرش ندارد و به همین دلیل برای درمان اقدامی نمی‌کند. در حالی که در فیلم جوکر، بارها شاهد آن هستیم که آرتور به دلیل رنج کشیدن از بیماری‌اش نزد درمانگر می‌رود. بنابراین نمی‌توان به طور قطع آرتور را دارای اختلال شخصیت خودشیفته دانست. از طرفی آرتور در بخش‌های انتهایی فیلم به قاتلی بیرحم و شخصیتی ضداجتماعی بدل می‌شود که باز هم بر اساس معیارهای راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم، اختلال شخصیت ضداجتماعی باید از کودکی با اختلال سلوک و از نوجوانی با معیارهای ضداجتماعی مشخص شده باشد.

بررسی ابعاد روانی یک فیلم و همچنین ارتباطی که بین عناصر فیلم وجود دارد، مهمترین هدف در تحلیل روان‌شناختی فیلم است. هدف از انجام بسیاری از پژوهش‌ها آگاهی بخشی به جامعه و افزایش سواد بصری مخاطب است. بر همین اساس پژوهشی با عنوان «کاوش اختلال شخصیت از طریق خلاقیت در فیلم‌های رنجش و تیم»<sup>۱</sup> (۲۰۱۹: ۷۸) انجام شد که به بررسی الگوها و ریشه‌های اختلالات شخصیت از طریق مطالعه رشد شخصیت دو فیلم نامبرده می‌پردازد. پژوهشگر با بررسی فیلم رنجش و تحلیل شخصیت ملیندا به این نتیجه رسید که بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم، ملیندا به اختلال شخصیت مرزی مبتلاست و این اختلال در واقع معمولاً به اشتباه تشخیص داده می‌شود و همچنین تأثیر این اختلال بر روابط میان اعضای یک خانواده و میزان موثر بودن روابط بر بروز و ظهور این اختلال را بیان نمود. همچنین در تحلیل شخصیت آستر در فیلم تیم نیز با توجه به علائم و شواهد موجود می‌توان آستر را دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی دانست. از تحلیل و بررسی این دو فیلم می‌توان به این نتیجه رسید که اختلالات شخصیت به خودی خود تأثیراتی در زندگی فرد دارد که باعث ایجاد ناتوانی در بعضی از امور زندگی می‌شود، حال اگر این اختلال همراه با بیماری دیگری رخ دهد می‌تواند تأثیر فاجعه‌باری ایجاد می‌کند، به ویژه زمانی که این افراد بتوانند آزادانه در میان افراد عادی زندگی کنند.

یکی از روش‌های آشکارسازی اختلالات شخصیتی کاراکتر اصلی فیلم، تحلیل بر

اساس فیلمنامه و قبل از به تصویر کشیدن آن است؛ بر همین اساس پژوهش «انواع اختلالات شخصیتی در فیلمنامه درون و بیرون»<sup>۱</sup> توسط نورزمان و پرمالودین<sup>۲</sup> (۲۰۲۰: ۵۶) با هدف انطباق اختلال شخصیت رایلی بر مبنای راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم و همچنین عوامل موثر در ایجاد آن اختلالات صورت گرفت. داستان فیلم درباره رایلی دختری یازده ساله با روحیه ای مهربان و بشاش است که تمام شرایط برای یک زندگی آرام برای او فراهم است تا زمانی که والدین رایلی مجبور می شوند به شهر دیگری (سانفرانسیسکو) منتقل شوند، در اینجا همه چیز تغییر می کند. به عقیده پژوهشگر از آن زمان به بعد، شخصیت و ویژگی ای رایلی به طور چشمگیری تغییر می کند و او شروع به بروز علائم اختلالات شخصیت می کند.

یک نکته بسیار مهم و جدی که می توان با نگاه نقادانه بدان نگریست این موضوع است که بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم برای اظهار نظر در مورد ابتلای یک فرد به اختلالات شخصیت باید ویژگی های شخصیتی او را در دوره نوجوانی یا اوایل بزرگسالی مورد بررسی قرار داد (انجمن روانپزشکی امریکا، ۲۰۲۱: ۸۷۰). از آنجایی که در این فیلمنامه رایلی یک کودک است و علائمی که نویسنده به آن استناد می کند تا نوع اختلال شخصیت رایلی را نشان دهد در واقع رفتارهای این کودک در اثر مهاجرت پیش بینی نشده ای است که برای او رخ داده است، بنابراین نمی توان این کودک را به هیچ یک از اختلالات شخصیت مبتلا دانست.

هدف بسیاری از مطالعات در حوزه اختلالات روانی و تعیین این اختلالات در مورد کاراکتر یک فیلم نمایش چگونگی تأثیر افراد دارای این اختلالات بر دیگران و بالعکس است. یکی از این پژوهش ها پژوهش سوهندر<sup>۳</sup> (۲۰۱۸: ۱۱۳) است که سعی دارد با توجه به معیارهای اختلال شخصیت ضد اجتماعی به تحلیل شخصیت کوین بر اساس رفتارها و دیالوگ های او پردازد. مسئله قابل توجه در این پژوهش عدم اشاره نویسنده به علائم قبل از هفده سالگی کوین است، زیرا بر طبق راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم که خود پژوهشگر نیز بر اساس آن تحلیل شخصیت را شکل داده است، پیش نیاز برچسب زدن به فرد مبتلا به اختلال شخصیت ضد اجتماعی، وجود علائم اختلال سلوک در قبل از پانزده سالگی است، در صورتی

1. Inside Out
2. Nurzaman & Permaludin
3. Suhendar

که کوبین در هفده سالگی دچار تغییرات شدید خلق و خو می‌شود و قبل از این سن علائمی دال بر وجود اختلال از خود بروز نمی‌دهد. با توجه به ادبیات پژوهشی مطرح شده می‌توان عنوان نمود که در پژوهش‌های داخلی به خصوص در سال‌های اخیر بیشترین مطالعات مرتبط با تعیین مؤلفه‌های اختلالات شخصیت در مورد شخصیت‌های داستانی از جمله رمان و یا شاهنامه صورت گرفته است و بسیار اندک به تحلیل شخصیت‌های یک فیلم پرداخت شده است. در پژوهش‌های خارجی نیز بیشترین مطالعات، مرتبط با اختلالات شخصیت ضداجتماعی و مرزی است و بسیار اندک به انواع دیگر اختلالات شخصیت پرداخته شده است. اما نکته حائز اهمیت درباره پیشینه این پژوهش این است که چه در مطالعات داخلی و چه در مطالعات خارجی به هیچ عنوان کتاب‌های فیلم‌نامه‌نویسی که در آن، اساس و پایه چگونگی شکل‌گیری شخصیت و نحوه تحلیل آن را بیان می‌کنند، مورد مطالعه قرار نگرفته است. بنابراین می‌توان این گونه برداشت کرد که اهمیت این کتب برای پژوهشگران حوزه‌های میان رشته‌ای دست کم گرفته شده و متأسفانه در پژوهش‌های داخلی این مورد بیشتر به چشم می‌خورد.

## روش

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی با تکنیک تحلیل محتوای شی‌یه و شانون<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، (۱۲۷۷) از نوع متعارف مبتنی بر داده‌های ناشی از مقوله‌های جدید و پرهیز از مقوله‌های از پیش پنداشته است. تحلیل محتوای کیفی فرایندی است که از شیوه استقرایی برای استخراج رده‌ها و مضامین، از داده‌ها از طریق مقایسه مکرر بهره می‌برد. این پژوهش درصدد تعیین کردن مؤلفه‌های شخصیت بیمارگون بیان‌شده در کتب آموزشی رایج در میان فیلم‌نامه‌نویسان است و همچنین قصد دارد فصول مرتبط با شخصیت و شخصیت‌پردازی در این کتب را از نظر انطباق با مؤلفه‌های یک شخصیت بیمارگون در علم روان‌شناسی بررسی نماید، لذا جامعه آماری این پژوهش شامل نگارش فیلم‌نامه داستانی نوشته چارلی موریتز<sup>۲</sup>، خلق شخصیت‌های ماندگار نوشته لیندا سیگر<sup>۳</sup>، فیلم‌نامه‌نویسی پیشرفته نوشته لیندا سیگر، داستان، ساختار، سبک و اصول فیلم‌نامه‌نویسی نوشته رابرت مک‌کی، چگونه فیلم‌نامه بنویسیم نوشته

---

1. Hsieh & Shannon  
2. Charley Moritz  
3. Linda Seager

سیدفیلد، راهنمای فیلمنامه‌نویس نوشته سیدفیلد، ساختار اسطوره‌ای در داستان و فیلمنامه نوشته کریستوفر وگلر<sup>۱</sup>، مبانی فیلمنامه‌نویسی نوشته سیدفیلد، عناصر فیلمنامه‌نویسی نوشته اروین ار بلکر<sup>۲</sup> است، که از این میان کتب: (۱) داستان، ساختار، سبک و اصول فیلمنامه‌نویسی نوشته رابرت مک کی، ترجمه محمد گذرآبادی (۲) چگونه فیلمنامه بنویسیم نوشته سیدفیلد، ترجمه عباس اکبری و مسعود مدنی (۳) راهنمای فیلمنامه‌نویس نوشته سیدفیلد و به ترجمه عباس اکبری به عنوان نمونه در نظر گرفته شد.

ویژگی مهم روش شی‌یه و شانون (۲۰۰۵: ۱۲۷۸) از نوع متعارف، فرایند ساختارمند کدگذاری، بررسی معنا و ارائه یک توصیف از واقعیت اجتماعی از طریق ایجاد مضمون است. در پژوهش حاضر ابتدا فرایند تجزیه و تحلیل متون آغاز و سپس کدهای سه سطحی انجام شدند. پس از انجام فرایند کدگذاری‌های لازم، ابتدا سعی در استخراج کدهای باز، محوری و نظری نموده و این روند تا اشباع کامل تحلیل داده‌ها ادامه یافت. در این پژوهش، مؤلفه‌های شخصیت بیمارگون بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم به عنوان واحد تحلیل متن و مطالب ارائه شده مورد استفاده قرار گرفت که شامل مؤلفه‌های زیر می‌باشند:

جدول ۱ واحد تحلیل و مؤلفه‌های ملاک شخصیت بیمارگون طبق راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم

مؤلفه‌ها	واحد تحلیل
(۱) همخوانی صفات، (۲) رنج نکشیدن خود، (۳) رنج کشیدن دیگران، (۴) تعمیم صفات به تمام موقعیت‌ها	الگوی صفات
(۱) الگوی شناختی متفاوت، (۲) الگوی عاطفی متفاوت، (۳) الگوی عملکرد بین فردی متفاوت، (۴) الگوی کنترل تکانه متفاوت (همگی متفاوت از فرهنگ)	الگوهای فرهنگی متفاوت
(۱) باورها، (۲) تحریف‌های شناختی، (۳) طرحواره‌ها، (۴) تصمیم‌گیری، (۵) حل مسئله، (۶) استدلال، (۷) فراشناخت، (۸) توجه و تمرکز، (۹) هویت یابی	الگوهای شناختی غیرمنعطف
(۱) خودکنترلی هیجانی، (۲) خودتنظیمی، (۳) خودمدیریتی، (۴) خودکارآمدی، (۵) عشق ورزیدن، (۶) ابراز عواطف، (۷) مدیریت عواطف و احساسات	الگوهای هیجانی و عاطفی غیرمنعطف

1. Christopher Wegler
2. Erwin R. Blacker

ادامهٔ جدول ۱

واحد تحلیل	مؤلفه‌ها
الگوی عملکرد میان‌فردی غیرمنعطف	(۱) عدم اطمینان به دیگران، (۲) حفظ فاصلهٔ اجتماعی، (۳) وابستگی شدید به دیگران، (۴) عدم تحمل دیدگاه‌های متفاوت با خود
الگوی کنترل تکانه غیرمنعطف	(۱) عدم به تعویق انداختن نیازها، (۲) رفتارهای بی‌پروا و ناگهانی، (۳) عمل کردن بدون فکر، (۴) مشکل در برنامه‌ریزی و دنبال کردن آن برنامه
الگوهای زیستی	(۱) شروع از نوجوانی، (۲) سرشت و خلق و خو

شاخص روایی محتوایی اشاره به این موضوع دارد که داده‌های جمع‌آوری شده تا چه حد جنبه‌های سازه را سنجیده است. پژوهشگران برای محاسبهٔ این شاخص از هشت نفر از متخصصین حوزهٔ روان‌شناسی و هنر درخواست کردند میزان مرتبط بودن داده‌های جمع‌آوری شده را با عبارات «غیرمرتبط، نیاز به بازبینی اساسی، مرتبط اما نیازمند بازبینی و کاملاً مرتبط» مشخص کنند و تعداد متخصصانی که گزینهٔ ۳ و ۴ را انتخاب کردند را بر کل تعداد کل آن‌ها تقسیم نمودند. اگر مقدار حاصل از نتایج کوچک‌تر از ۰/۷ باشد، گویه رد می‌شود. اگر بین ۰/۷ تا ۰/۷۹ باشد باید بازبینی انجام گیرد و اگر از ۰/۷۹ بزرگ‌تر باشد، قابل قبول است. بنابراین در پژوهش حاضر، باتوجه به اینکه میانگین شاخص روایی محتوایی به دست آمده ۰/۸۷ بود و به تنهایی هریک از گویه‌ها نیز بالاتر از ۰/۷۹ قرار داشتند، بنابراین پژوهش دارای اعتبار درونی قابل قبولی است. لازم به ذکر است این پژوهش در کمیته اخلاق وزارت بهداشت در دانشگاه الزهرا موفق به دریافت کداخلاق IR.ALZAHRA.REC.1401.106 گردید.

### یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه جامعهٔ آماری این پژوهش متشکل از سه کتاب *داستان، ساختار، سبک* و *اصول فیلم‌نامه‌نویسی، راهنمای فیلم‌نامه‌نویس و چگونه فیلم‌نامه بنویسیم* است، بنابراین پژوهشگر ابتدا واحد معنایی نهفته در جملات فصول مرتبط با شخصیت و شخصیت‌پردازی را از این کتب استخراج و سپس به استخراج کدهای نظری، محوری و باز از این مفاهیم پرداخته است. در نهایت پژوهشگر بر اساس مفاهیم استخراج شده از جدول بالا چهارده کد باز، سه کد محوری و سپس به دو کد نظری دست یافت که به شرح جدول زیر است:

جدول ۲ کدهای باز، محوری و نظری شخصیت بیمارگون در کتب فیلمنامه‌نویسی همراه با جملات شاخص

صفحه	منبع	جمله شاخص	باز	محوری نظری
۵۸	راهنمای فیلمنامه‌نویس	نقش بازیگری باهوش را بازی می‌کند.	عقل و هوش	
۶۹	داستان و ساختار	میزان تحصیلات و شغل باید مورد توجه قرار بگیرند.	تحصیلات و شغل	صفات
۵۵	چگونه فیلمنامه بنویسیم	عده‌ای می‌گویند بیست و چهار سال سن مناسبی است.	سن	
۵۵	چگونه فیلمنامه بنویسیم	از نظر دیگران اشکالی ندارد قهرمان ما زن باشد.	گرایش‌ها	
۶۱	راهنمای فیلمنامه‌نویس	برای خلق یک شخصیت ابتدا باید برای آن بطن بسازیم.	سرشتی بودن	تخصیص
۶۱	چگونه فیلمنامه بنویسیم	این شغل طبع عصیانگر سارا را ارضا می‌کند.	خلق و خو	
۶۹	داستان و ساختار	هر یک از ما ترکیب خاصی از داده‌های ژنتیکی هستیم.	اساس زیستی	باز
۷۳	داستان و ساختار	تصمیمات هملت و انتخاب‌هایی که می‌کند شخصیت باهوش و محتاط او را که می‌کوشد بر شر و شور جوانی لگام بزند، آشکار کند.	شروع از نوجوانی	
۷۲	داستان و ساختار	قهرمان در حالت مستی و از خود بی‌خبری دفتر کار را به هم می‌ریزد.	عدم کنترل تکانه	
۶۱	راهنمای فیلمنامه‌نویس	جیمز کان در فیلم دزد با عدم اطمینان عملکرد میان‌فردی به همه شروع می‌کند.	مختل	
۳۷	چگونه فیلمنامه بنویسیم	فرد از نظر عاطفی هم مختل است.	عاطفه مختل	باز
۶۰	راهنمای فیلمنامه‌نویس	شخصیتی بیافریند که اعتقاد داشته باشد هر چه رخ می‌دهد خواست خداست.	شناخت مختل	تخصیص بیمارگون
۶۰	راهنمای فیلمنامه‌نویس	غرور و اطمینان بیش از حد و طرز برخوردی که باختن از آن مشهود است.	جدابیت سطحی	باز
۷۰	داستان و ساختار	در ذات او چه خواهیم یافت.	غیرقابل پیش‌بینی	تخصیص

## بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی تحلیل مفاهیم و مؤلفه‌های ذکر نشده اختلالات شخصیت در کتب آموزشی رایج در میان فیلمنامه‌نویسان (کتاب‌های *داستان ساختار*، *سبک و اصول فیلمنامه‌نویسی*، *راهنمای فیلمنامه‌نویس* و *چگونه فیلمنامه بنویسم*) است و همچنین در جستجوی این است که در این کتاب‌ها چگونه به ابعاد روانی یک شخصیت پرداخته شده است. می‌توان گفت از نتایجی که از این پژوهش بدست آمد این است که نویسندگان کتب فیلمنامه‌نویسی توانستند در یک یا دو مؤلفه، تبیین درستی به کار گیرند ولی در مجموع توصیفات کافی نیستند. بنابراین خواننده تا حد زیادی به دانش و نوع زیست و تجربه خود متکی می‌شود و به همین دلیل از کاربرد این کتب برای نگارش کاراکتری معقول و باورپذیر کاسته می‌شود.

قبل از پاسخ به سؤالات پژوهش باید گفت مطالعه هوشمندانه نویسنده فیلمنامه باعث می‌شود ذهنیت نگارش او تغییر کند و حوزه‌های فکری جدیدی برایش ایجاد گردد. بنابراین فیلمنامه‌نویس قبل از شروع نگارش یک فیلمنامه و در زمان یاری گرفتن از کتب فیلمنامه‌نویسی، باید با مقوله‌ها و مؤلفه‌های موجودی که در میان سطور کتب مستور است، آشنا گردد تا بتواند قصد و غرض نویسنده کتب از بیان جملاتش درک کند. شاید بتوان علت ناموفق و باورناپذیر بودن شخصیت بعضی از فیلم‌ها را ناآگاهی فیلمنامه‌نویس نسبت به مؤلفه‌های موجود در کتب فیلمنامه‌نویسی و عدم استفاده مناسب از کدهای شخصیت، هنگام شخصیت‌پردازی دانست. در پاسخ به سؤالات پژوهش حاضر، کدهای مطرح شده و ذکر نشده در کتب فیلمنامه‌نویسی به شرح جدول ذیل استخراج گردیده‌اند؛ هر چند که کدهای بدست آمده از تحلیل محتوای کتب ذکر شده حاصل گردیده و نمی‌توان آن‌ها را به طور دقیق در یک کتاب آموزشی و به صورت مدون و واضح جستجو نمود. در واقع دانشجوی فیلمنامه‌نویسی یا نویسندگان دیگر باید بتوانند ابتدا چنین تحلیل محتوایی انجام داده و سپس کدهای مربوطه را استخراج نمایند. از آنجا که این کار در استطاعت افراد قرار نمی‌گیرد، احتمال دارد که در نویسندگی و خلق یک شخصیت بیمارگون با خطاها و اغراق‌ها مواجه شویم.

مؤلفه‌های شخصیت بیمارگون ذکر شده در کتب فیلمنامه‌نویسی بر اساس واحد تحلیل	مؤلفه‌های شخصیت بیمارگون ذکر شده در کتب فیلمنامه‌نویسی
الگوی زیستی	الگوی صفات
الگوی شناختی پایدار متفاوت از فرهنگ	الگوهای شناختی غیرمنعطف
الگوی عاطفی پایدار متفاوت از فرهنگ	الگوهای هیجانی و عاطفی غیرمنعطف
الگوی عملکردین فردی پایدار متفاوت از فرهنگ	الگوی عملکرد میان فردی غیرمنعطف
الگوی کنترل تکانه پایدار متفاوت از فرهنگ	الگوی کنترل تکانه غیرمنعطف

### مؤلفه‌های شخصیت بیمارگون ذکر شده در کتب فیلمنامه‌نویسی

الگوی صفات: بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم کدی وجود دارد با عنوان الگوی صفات که بیان می‌کند هر فرد به روش خاص و منحصر به فردی با دنیا و اطرافش برخورد می‌کند و این صفات دارای ثبات زمانی و ثبات میان موقعیتی است، یعنی در طول زمان ثابت است و افراد در همه رویدادها و موقعیت‌ها یکسان عمل می‌کنند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۸؛ ترجمه گنجی، ۱۳۹۷، ۲۴۹). بنابراین کد الگوی صفات در راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم شامل همخوانی صفات با ایگوی فرد، رنج نکشیدن خود، رنج کشیدن دیگران و تعمیم این صفات به تمامی موقعیت‌ها است. با بررسی‌ها و تحلیل‌های انجام شده بر اساس کتب مطرح شده، کدهای ثبات صفات و ثبات ژنتیکی با مفهوم الگوی صفات مطابقت می‌کند، بدین معنا که به فرض مثال وقتی در شخصیت‌پردازی کتاب‌های فیلمنامه‌نویسی صحبت از میزان باهوش بودن و یا تحصیلات یک شخصیت می‌شود، منظور همان صفاتی است که در طول زمان پایدار است. پس می‌توان ثبات صفات استخراج شده از کتب را به عقل و هوش، تحصیلات، شغل، جنسیت یا همان گرایش‌ها و تمایلات، سن و غیره معنا کرد. کد ثبات ژنتیکی کدی دیگر بر اساس الگوی صفات است و اشاره به سرشتی بودن یا ذات و فطرت یک شخصیت، خلق و خو، داده‌های زیستی و غیره دارد. نکته‌ای که در انطباق این کدها با کد الگوی صفات می‌توان اشاره کرد این است که نویسندگان این کتاب‌ها بسیار سعی دارند برای شخصیت‌پردازی مثال‌هایی از ثبات صفات یا ثبات ژنتیکی به میان آورند، اما نتوانستند به صورت کاربردی این امر را محقق نمایند و به صورت مدون این دسته‌بندی را انجام دهند، مثلاً در کتاب راهنمای فیلمنامه‌نویس مثالی در مورد یک شخصیت که مبادی آداب و از خود راضی است، آورده می‌شود ولی در واقع از خود راضی بودن را می‌توان

الگویی از رنج کشیدن دیگران نسبت به فرد نشان داد. بنابراین مناسب‌تر آن است که به جای آوردن مثال‌هایی برای تصویرسازی از خلق‌وخو یا سرشت یک شخصیت، ابتدا یک طبقه‌بندی مدون صورت گیرد تا خواننده بتواند هر زمانی که قصد داشته باشد تا شخصیت خود را خلق نماید، ابتدا با بهره‌گیری از این دسته‌بندی تصویری کلی از الگوی صفات شخصیت داشته باشد و سپس شروع به نگارش و استفاده از مثال‌های مطرح‌شده کند. بدیهی است با توجه به مطالب بیان‌شده، کدهای ثبات صفات و ثبات ژنتیکی مطرح‌شده در کتاب، نسبت به الگوی صفات راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم بسیار کاستی دارند که می‌توان از مهم‌ترین آن‌ها اشاره به ناهمخوانی صفات و یا تعمیم این صفات به تمام موقعیت‌ها را بیان کرد. بنابراین خواننده‌ای که به قصد یاری گرفتن از کتب آموزشی برای خلق شخصیت ماندگار به سراغ آن‌ها می‌رود، نمی‌تواند تدوینی منطقی و منسجم از خصوصیات یک شخصیت مرضی را در ذهن خود داشته باشند.

الگوی شناختی غیرمنعطف: بر مبنای راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم کد محوری با عنوان الگوی شناختی غیرمنعطف وجود دارد که شامل: باورها، تحریف‌های شناختی، طرحواره‌ها، تصمیم‌گیری، حل مسأله، استدلال، فراشناخت، توجه و تمرکز است. بر همین اساس با بررسی و تحلیل کتب مطرح‌شده در کد محوری شخصیت مرضی، الگوی شناختی مختل را بر اساس مثال‌های مطرح‌شده استخراج گردید. به فرض مثال در کتاب چگونه فیلمنامه بنویسیم اشاره به عقاید زنی می‌شود که بیان می‌کند هر اتفاقی که در زندگی او رخ دهد هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آن ندارد و همه این رخدادها به خواست و اراده خداوند است، بنابراین دو ویژگی اساسی باورهای نامعقول و تحریف‌های شناختی که زمینه فلسفه ناراحت‌کننده زندگی افراد را تشکیل می‌دهد را می‌توان در این مثال دریافت. این یافته با پژوهش خیرونس<sup>۱</sup>، میرانی<sup>۲</sup> و واردانی<sup>۳</sup> (۲۰۱۸: ۳۵) در مورد تحلیل شخصیت استیو جابز که بیان می‌کنند که او فردی است که هنگام روبه‌رو شدن با موقعیت و مسائل جدید سازگار می‌شود و در واقع انعطاف‌پذیری شناختی دارد، غیر همسو است اما همسو با پژوهش آلبرتلا<sup>۴</sup>، لوپلی<sup>۵</sup>، چمبرلین<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۲۰) است

1. Khairunas
2. Mirani
3. Wardani
4. Albertella
5. Le Pelley
6. Chamberlain

که مطرح می‌کند انعطاف ناپذیری شناختی با سختی و مقاومت در برابر تغییر در مواجهه با اطلاعات جدید مشخص می‌شود. مسئله‌ای که در مورد این کد می‌توان اذعان داشت این است که با توجه به اینکه این الگو یکی از ابعاد مهم روانی یک شخصیت است، متأسفانه بسیار جسته و گریخته تنها در دو یا سه جمله از کل کتب تحلیل شده می‌توان آن را دریافت نمود. می‌توان این گونه بیان نمود که در صورتی که این الگو پتانسیل بسیار بالایی برای خلق شخصیت بیمارگون دارد اهمیت این مؤلفه در خلق یک شخصیت مرضی نادیده گرفته شده و بسیار ناچیز و نامحسوس به آن اشاره شده است، و این امر در کتب مطرح شده به درستی تبیین نشده است و مناسب‌تر این بود که ابتدا نویسنده درکی درست از تعریف انعطاف ناپذیری شناختی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کرد و سپس به بیان مثال‌هایی از الگوی شناختی شخصیت می‌پرداخت.

کنترل تکانه غیر منعطف: بر مبنای راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم معیار کنترل تکانه‌ی غیر منعطف شامل: عدم به تعویق انداختن نیازها، رفتارهای بی‌پروا و ناگهانی، عمل کردن بدون فکر، مشکل در برنامه‌ریزی و دنبال کردن آن برنامه است. این مؤلفه زمینه‌ساز ابتلا به بسیاری از اختلالات روانی از جمله اختلالات شخصیت است. در واقع تکانشگری پیش‌زمینه‌ای را برای عکس‌العمل سریع و بدون برنامه‌ریزی قبلی در برابر محرک‌های داخلی و خارجی فراهم می‌کند، بدون این که فرد عواقب منفی رفتارش را برای خود یا دیگران در نظر بگیرد (فاینبرگ<sup>۱</sup>، پوتنزا<sup>۲</sup>، چمبرلین<sup>۳</sup> و همکاران ۲۰۰۹: ۵۹۱). بر اساس این معیار، کدهای استخراج شده از کتب برای مؤلفه عدم کنترل تکانه به صورت مکرر از جملاتی مانند: مشروب‌خواری زیاد، پرتاب اشیاء به اطراف به هنگام خشم یا انجام رفتارهای بی‌پروا و بدون در نظر گرفتن عواقب آن مانند: پاره کردن گواهی‌نامه در مقابل افسر پلیس که در کتاب چگونه فیلمنامه بنویسیم به آن اشاره می‌کند، استفاده شده است. این یافته با پژوهش سوهندر (۲۰۱۸) که تحلیلی در مورد شخصیت ضد اجتماعی کوین انجام دادند، همسو است. در این پژوهش کوین را شخصیتی پرخاشگر، تحریک پذیر، فاقد پشیمانی و بی‌پروا در رفتار معرفی می‌کنند که همه این نشانه‌ها از علائم عدم کنترل تکانه است. همسو با این یافته گاروفالو<sup>۴</sup>، ولوتی<sup>۵</sup>

1. Fineberg
2. Potenza
3. Chamberlain
4. Garofalo
5. Velotti

کالیا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۸: ۱۸۶) نیز مطرح می‌کنند که تکانشگری یا کنترل تکانه یکی از مکانیسم‌هایی است که ویژگی‌های اختلالات شخصیت و چندین شکل از رفتار ناسازگار از جمله: علائم درونی‌سازی (مانند آسیب به خود) و بیرونی‌سازی (مانند پرخاشگری) را به هم مرتبط می‌کند. این مؤلفه را می‌توان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی در نظر گرفت که بین الگوی راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم و کدهای استخراج‌شده از کتب مطابقت دارد. بدین معنا که اگر خواننده تعریفی جامع از تکانشگری و عدم کنترل تکانه داشته باشد به وضوح می‌تواند نمونه‌هایی را که نویسندگان در کتاب‌ها مطرح کردند را ادراک نماید و همین امر نشان از تبیین درست نویسنده برای مخاطب است.

غیرمنعطف بودن هیجانات و عواطف: انعطاف ناپذیری هیجانی به عنوان یک ساختار چند بعدی توصیف می‌شود که شامل: آگاهی و درک ضعیف از احساسات، عدم پذیرش احساسات، عدم توانایی کنترل هیجان در برآورده کردن اهداف فردی و خواسته‌های موقعیتی است (گارفالو و همکاران، ۲۰۱۸). در واقع شخصیت ناسالم بی‌عاطفه یا بی‌هیجان نیست، بلکه کنترل هوشمندانه‌ای روی این الگوها ندارد (سیمیجا<sup>۲</sup>، اورزچوفسکی<sup>۳</sup> و اسنولارسکی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴: ۱۹۳۲). با توجه به یافته‌های این پژوهش، این مؤلفه به جز یک مورد آن هم به صورت خیلی موجز و ناچیز مورد دیگری مطرح نکرده است. مثالی که در کتاب چگونه فیلمنامه بنویسیم مطرح شده است اشاره به شخصیتی دارد که از نظر جسمی فلج است و نقص در جسم او باعث ایجاد تأثیرات بر روی احساسات و هیجانات فرد شده است به نحوی که فرد به دلیل نداشتن تحمل کافی در شکست‌هایش زیاد مشروب می‌خورد و رفتاری ناسازگارانه دارد و بنا به گفته خود نویسنده از نظر عاطفی نیز فلج است. مطابق با این یافته، پژوهش دیماجیو<sup>۵</sup>، پوپولو<sup>۶</sup>، مونتانو<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۱۷: ۵۸۶) نشان می‌دهد که عدم پذیرش عاطفی باعث ایجاد مشکلاتی هنگام پیگیری اهداف فردی و همچنین هنگام تجربه احساسات منفی می‌شود. این یافته همسو با پژوهش موناچیمسو اووه (۲۰۱۹: ۸۰) در مورد تحلیل شخصیت ملیندا در فیلم رنجش است که کاراکتر اصلی را با الگوی بی‌ثباتی هیجانی که یکی از مؤلفه‌های اصلی اختلال شخصیت مرزی است، معرفی می‌کند. همچنین

1. Callea
2. Sîmieja
3. Orzechowski
4. Stolarski
5. Dimaggio
6. Popolo
7. Montano

با پژوهش‌های زیادی از جمله پژوهش گارفالو و همکاران (۲۰۱۸) که نشان می‌دهد بد تنظیمی هیجانی در رفتارهای پرخاشگرانه و تکانشی عمل کردن که مشخصه اصلی شخصیت ضداجتماعی و مرزی است، نقش دارد نیز هم‌راستا می‌باشد. با توجه به ابعاد گسترده این مؤلفه، متأسفانه با وجود مثال‌های بسیاری که نویسندگان کتب برای شخصیت‌پردازی به میان آورده‌اند، اهمیت این مؤلفه را نادیده گرفته و آن را به صورت نافرجام و ابتر بیان کرده‌اند و به هیچ عنوان خواننده نمی‌تواند به وضوح دریابد که منظور نویسنده از شخصیتی که دارای الگویی از انعطاف‌ناپذیری هیجانی و عاطفی است، چگونه است و معقول‌تر آن است که نویسنده به فراخور شخصیت و شرایط، نمونه‌هایی را مطرح نماید که دارای چند نمایه از این مؤلفه باشد تا مخاطب بتواند ادراک درستی از فردی که از نظر عاطفی و یا هیجانی دچار اختلال است، داشته باشد.

عملکرد میان فردی غیرمنعطف: الگوی عملکرد میان فردی غیرمنعطف بر مبنای راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم شامل عدم اطمینان به دیگران، حفظ فاصله اجتماعی، وابستگی شدید به دیگران و یا عدم تحمل دیدگاه‌های متفاوت است. بر اساس کدهای استخراج شده از کتب، با توجه به گستردگی محورهای این الگو، متأسفانه تنها در دو نمونه از مثال‌های مطرح شده در دو کتاب این کد را می‌توان به صورت نامحسوسی دریافت کرد. به عنوان مثال در کتاب راهنمای فیلمنامه‌نویس نویسنده با ارجاعی به فیلم دزد شخصیت اصلی (جیمز کان) را با الگوی میان فردی دارای اختلال یعنی عدم اطمینان به دیگران معرفی می‌کند و همین عدم اطمینان را می‌توان در مثالی دیگر در کتاب چگونه فیلمنامه بنویسیم پیدا کرد. همسو با این یافته، پژوهش فاطمی ویشکا سوقی و دادخواه (۱۳۹۷: ۱۲) نیز در تحلیل شخصیت سیامک، او را مبتلا به اختلال شخصیت پارانوئید می‌دانند زیرا یکی از مهمترین معیارهای این اختلال عدم اطمینان به دیگران است. باید به این نکات نیز اشاره کرد که با توجه به اهمیت ارتباط انسانها با خودشان متأسفانه راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم به آن اشاره‌ای نکرده است و مورد دیگر این که با وجود اینکه انسان موجودی اجتماعی است و روابطش چه با خود و چه با دیگران از ابعاد مهم زندگی اوست، ولی تنها در یک کتاب و آن هم به صورت یک نمونه مطرح شده است. به همین دلیل خلأ این امر در شخصیت‌پردازی کتاب‌های فیلمنامه‌نویسی بسیار احساس می‌شود. بنابراین با توجه به مثال‌های ضعیفی که مطرح شده نمی‌توان به خواننده این کتب تصویری روشن از فردی که اختلال در عملکرد میان فردی دارد نشان داد و تبیین این امر کاملاً به سرانجام نرسیده است.

### مؤلفه‌های ذکر نشده شخصیت بیمارگون در کتب فیلم‌نامه‌نویسی

الگوی فرهنگی متفاوت: فرهنگ اشاره به نظامی از دانش، ارزش‌ها و هنجارهایی که یاد گرفته می‌شود و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و همچنین شامل: دین و اصول معنوی زندگی، ساختار خانوادگی، زبان، مناسک و آیین‌ها، روش‌های درک سلامتی یا بیماری و همچنین نظام اقتصادی، سیاسی یا حقوقی آن جامعه است. فرهنگ سیستمی پویاست که ممکن است در طول زمان دچار تغییر شود (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۲۱، ۸۷۲). در واقع فرهنگ ابزارهایی را برای پذیرش و یا عدم پذیرش بعضی از صفت‌های شخصیتی و یا رفتارهای خاص در اختیار می‌گذارد و این امر را بیان می‌کند که بعضی از الگوهای رفتاری که به نظر خشک و غیرمنعطف هستند و نمادی از ناکارآمدی شخصیت دارد، ممکن است دربرگیرنده واکنش‌های سازگارانه یا هنجار نسبت به جامعه آن فرد باشد (اکسلوس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۱۹۴). یکی از موضوعات مهمی که به هنگام این پژوهش می‌توان به وضوح آن را مشاهده کرد، عدم اشاره نویسندگان کتب مطرح شده به موضوع فرهنگ و تفاوت‌های فرهنگی است، یعنی زمانی که برای شخصیت‌پردازی و خلق یک شخصیت شروع به بیان مثال‌هایی برای فهم بیشتر توضیحات خود می‌کنند به هیچ‌عنوان فرهنگ موجود در آن جامعه‌ای که شخصیت در آن خلق می‌شود را در نظر نمی‌گیرند. به عقیده کولر<sup>۲</sup> (۲۰۲۱: ۳) فیلم‌نامه‌نویسان باید از نحوه رویکرد فرهنگ‌های مختلف به سلامت روان آگاه باشند. برخی فرهنگ‌ها نمی‌خواهند مشکلات روانی را بپذیرند یا به آن بپردازند. برای پرداختن به این نگرانی، برای نویسندگان مهم است که الگوهای فرهنگی مطابق با جامعه شخصیت را روی پرده خلق کنند. این امر می‌تواند علاوه بر افزودن بر جذابیت درام، تأثیر مثبت فوق‌العاده‌ای را بر مخاطب ایجاد کند.

الگوی شناختی پایدار متفاوت از فرهنگ: این مقوله شامل اعتقادات، باورها، هنرها، ارزش‌ها، مهارت‌ها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و بالاخره تمام ضوابط، رفتار و عاداتی است که فرد به عنوان عضوی از یک جامعه، فرامی‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد و این وظایف و آموخته‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. در افرادی که به اختلالات شخصیت مبتلا هستند، الگوهای شناختی مطرح شده با دوام بوده و در موقعیت‌های متفاوت با ثبات است و از فرهنگ جامعه‌ای که فرد در آن زندگی

1. Ekselius  
2. Kooler

می‌کند، بسیار متفاوت است. همسو با این یافته، وصله‌چی و فدایی (۱۳۹۶) نیز عواملی مانند: ادراک، قضاوت، استدلال، یادآوری، تصویرسازی و تفکر را تحت تأثیر فرهنگ می‌دانند. الگوی عاطفی پایدار متفاوت از فرهنگ: در این مؤلفه، الگوهای بیان شده فرد بادوام و در موقعیت‌های متفاوت با ثبات است و از فرهنگ جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، بسیار متفاوت است. عاطفه، احساس یا هیجان یک الگوی واکنشی پیچیده است که شامل عناصر رفتاری، تجربی و فیزیولوژیکی است. هیجان‌ها، پاسخ‌های کم‌دوام، احساسی، هدفمند، بیانگر و جسمانی هستند که به فرد کمک می‌کند با فرصت‌ها و چالش‌هایی که هنگام وقایع مهم زندگی با آن‌ها مواجه می‌شود، سازگار شود. این مؤلفه به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در ابراز و شکل‌گیری شخصیت، در کتب اصلی فیلمنامه‌نویسی مغفول مانده است.

الگوی عملکرد میان فردی پایدار متفاوت از فرهنگ: در این مؤلفه الگوهای بیان شده فرد بادوام و در موقعیت‌های متفاوت با ثبات است و از فرهنگ جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، بسیار متفاوت است. ارتباط میان فردی روندی است که طی آن افراد اطلاعات، احساسات، عواطف و معانی را از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی با دیگران در میان می‌گذارند. عملکرد میان فردی شامل: انجام کار گروهی، مشارکت‌پذیری، برقراری ارتباط موثر، ایجاد ارتباط برای پیشرفت شخصی و شغلی است. همسو با این یافته اووه (۲۰۱۹: ۸۰) ظهور اختلال شخصیت در فیلم را با روابط اعضای خانواده بر بروز این اختلال مرتبط می‌داند که باعث ایجاد ناتوانی در روابط بین فردی بعدی افراد می‌شود.

الگوی کنترل تکانه پایدار متفاوت از فرهنگ: افراد مبتلا به شخصیت بیمارگون، در پاسخ به محرک‌های ناگهانی و بی‌مقدمه، بدون فکر عمل می‌کنند، بدون برنامه هستند، پیامدهای عمل و رفتارشان را نادیده می‌گیرند، مشکل در تمرکز کردن و برنامه ریزی دارند. این افراد در زمان‌هایی که تحت شرایط هیجانی قرار می‌گیرند احساس می‌کنند باید بلافاصله رفتاری انجام دهند یا به خودشان آسیبی برسانند. در این مؤلفه، الگوهای بیان شده فرد بادوام و در موقعیت‌های متفاوت با ثبات است و از فرهنگ جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، بسیار متفاوت است. الگوهای فرهنگی بسیار در شکل‌گیری و ظهور شخصیت موثرند و باید حتماً در شخصیت‌پردازی در دسترس فیلمنامه‌نویسان قرار بگیرند. الگوی زیستی: این مؤلفه شامل سرشت دشوار، سطح هوش و شروع علائم از

نوجوانی است. دالی<sup>۱</sup> (۲۰۲۱: ۱) نیز بیان می‌کند که افراد داری شخصیت بیمارگون، قبل از نوجوانی مبتلا تشخیص داده نمی‌شوند، زیرا تا نوجوانی کودکان برای کسب سطح جدیدی از دانش، مهارت و شایستگی نیاز دارند رفتارهایی را تجربه کنند و برای ورود به نقش مستقل بزرگسالی آماده شوند. گاهی اوقات نیز تغییرات شخصیتی ناشی از ابتلا فرد به یک بیماری و عارضه پزشکی دیگر است، یعنی تغییرات در نتیجه آثار ساختاری و عملکردی آن بیماری یا بازتاب‌هایی از مسمومیت با یک ماده یا ترک مصرف آن ماده است. شخصیت بیمارگون مستلزم ارزیابی الگوی عملکردی فرد در طولانی مدت است و خصوصیت شخصیت خاص باید در اوایل بزرگسالی محسوس باشد. گاهی تغییرات شخصیتی ناشی از استرس‌زها و شرایط موقعیتی یا رویدادی است و نمی‌توان آن را باثبات دانست. بنابراین نباید جزء معیارهای برآورد شده اختلالات شخصیت در نظر گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، کد باز شروع از نوجوانی تنها در یک مثال آن هم در کتاب رابرت مک کی بیان شده که آن را هم نمی‌توان جزء معیارهای تحقق یافته در نظر گرفت. در این کتاب آمده «تصمیمات هملت و انتخاب‌هایی که می‌کند، شخصیت باهوش و محتاط او را که می‌کوشد بر شر و شور جوانی لگام بزند، آشکار می‌کند». پس می‌توان یکی از خلأهای این کتاب را در نظر نگرفتن این مؤلفه برای توصیف یک شخصیت بیمارگون دانست، زیرا اگر نویسنده هنگام تشریح رفتار و سکنات یک شخصیت، ابتدا اشاره به الگوهای زیستی آن کند، بنابراین خواننده متوجه این موضوع می‌شود که برای بعضی از رفتارهای شخصیت، گاهی پیش‌زمینه‌ای وجود دارد که آن رفتار را منطقی و باورپذیر می‌کند و نیازی به تشریح اضافی در شخصیت‌پردازی نیست.

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت با توجه به اینکه هدف از نگارش کتاب آموزشی برای فیلم‌نامه‌نویسان به خصوص در بخش شخصیت، پرورش و افزایش آگاهی و درک نویسنده نسبت به شناخت شخصیت و مفاهیم مرتبط با آن است و البته با توجه به عبارت‌هایی که در فصول شخصیت‌پردازی این کتب برای توصیف یک شخصیت به کار برده‌اند که بیشتر همین عبارت‌ها اشاره به پردازش شخصیتی ناهنجار و بیمارگون دارد و به بیان ژان رنوار «شکل دادن شخصیتی بی‌سر و پا از ترسیم شخصیت خوب گیراتر است» که همین امر نیز نشان‌دهنده جذاب بودن یک شخصیت مریض برای مخاطب است، کتب مطرح‌شده در این پژوهش توانسته‌اند گام‌هایی نااستوار را در جهت خلق یک شخصیت

بیمارگون بردارند. اما مسئله مهم این است که با وجود معیارهای متعددی که در علم روان‌شناسی بر اساس کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم برای یک شخصیت ناهنجار وجود دارد، این کتب تنها پنج مؤلفه را مطرح نموده و به مؤلفه‌های دیگر اشاره‌ای نکرده‌اند. این نکته نیز قابل ذکر است که مؤلفه‌های بیان شده نیز بسیار موجز مطرح شده‌اند و خواننده به راحتی نمی‌تواند به این الگوها دسترسی داشته باشد. البته باید اذعان داشت در یک یا دو مؤلفه، تبیین نویسنده به درستی انجام گرفته اما توصیفات کافی نیست و خواننده بسیار متکی به دانش پایه، نوع زیست و تجربه خود می‌شود و از کاربرد این کتب برای نگارش کاراکتری معقول و باورپذیر کاسته شده است.

در پایان باید به این موضوع اشاره شود که با وجود اینکه در کتاب‌های آموزشی فیلمنامه‌نویسی هیچ‌گونه تعاریفی از مفاهیم بسیار مهم شخصیت و شخصیت مرضی پیش از شروع فصول شخصیت‌پردازی وجود ندارد و فاقد پروتکل مدون و ساختارمند هستند، باز هم در انتقال بعضی از مفاهیم به مخاطبانش تا حدودی مؤثر عمل کرده‌اند، اما تلاش برای مفهوم‌سازی بسیاری از عناصر، کافی نبوده و با توجه به شرایط کنونی سینما و بالا رفتن سطح سواد رسانه‌ای مخاطب که می‌داند یک فیلم با چه هدفی و با چه موقعیتی به وی ارائه می‌شود، نیازمند تلاش مجدد و ارائه راهکارهایی برای بهبود خلق شخصیتی ماندگار است.

### پیشنهاد‌های نظری

با توجه به اینکه این پژوهش یکی از موضوعات میان رشته‌ای، بین رشته روان‌شناسی و فیلمنامه‌نویسی را مورد بررسی قرار داده است، بنابراین از مهمترین محدودیت‌های پژوهش می‌توان به این موضوع اشاره کرد که به دلیل بدیع بودن عنوان پژوهش، وجود مطالعات کیفی همسو بسیار محدود بوده؛ بدین معنا که با توجه به گستردگی مفاهیم موجود در شخصیت، پژوهشگران بسیار اندکی به خصوص در سطح داخلی روی موضوعات مرتبط مطالعه انجام داده‌اند و همین امر موجب می‌شود تا پیشینه پژوهش آنگونه که باید دربرگیرنده موضوع پژوهش نباشد. همچنین، از کتب اصلی در فیلمنامه‌نویسی، تنها سه کتاب انتخاب شده و مورد تحلیل محتوا قرار گرفتند تا مطالب شخصیت‌پردازی به صورت جسته و گریخته از بین مفاهیم آن‌ها استخراج شوند. پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی در خصوص طراحی و نگارش کتاب‌های شخصیت‌پردازی با توجه به معیارهای شخصیت در روان‌شناسی، اقدام نموده و در این راستا کمک شایان توجهی به فیلمنامه‌نویسان جوان نمایند.

## پیشنهادهای کاربردی

با توجه به گستردگی طبقه‌بندی اختلالات روانی و اینکه در این پژوهش به مؤلفه‌های اختلالات شخصیت بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم پرداخته شده است، لذا پیشنهاد می‌گردد مطالعات بعدی در خصوص هر یک از طبقه‌بندی اختلالات روانی بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم باشد. همچنین با توجه به اینکه طبق یافته‌های این پژوهش کدهای الگوی صفات، الگوی شناختی انعطاف‌ناپذیر، الگوی هیجانی انعطاف‌ناپذیر، الگوی عملکرد میان‌فردی انعطاف‌ناپذیر و کنترل تکانه انعطاف‌ناپذیر در کتب موجود هستند و منطبق با راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نسخه پنجم نیز هستند، لذا پیشنهاد می‌شود مطالعات کیفی بعدی درباره اثر بخشی این یافته‌ها در تحلیل یک شخصیت در فیلم انجام گیرد تا تأثیر این یافته‌ها در خلق شخصیت بیمار باورپذیر از منظر مخاطب مشاهده شود.

## منابع

انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۱۳۹۷)، *آسیب‌شناسی روانی بر اساس DSM-5*، ترجمه مهدی گنجی، تهران: ساوالان.

حسن‌لی، کاووس و پیرصوفی املشی، زهرا (۱۳۹۶)، «بررسی انتقادی مقالات علمی - پژوهشی با موضوع شخصیت و شخصیت‌پردازی در ادبیات داستانی». *فصلنامه نقد ادبی*، ۱۰ (۳۹)، ۶۱-۱۰۰.

دیانگ، اسکپ (۱۳۹۹)، *روان‌شناسی در سینمای هالیوود*، ترجمه موسوی و گنجی، تهران: سروش.

فاطمی، ویشکا؛ سوقی، شهرزاد و دادخواه، پژمان (۱۳۹۷)، «تحلیل و بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی شخصیت سیامک در فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش»، *چهارمین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم*

تربیتی، *روان‌شناسی و آسیب‌های اجتماعی*، تهران <https://rasekhoon.net/article/show/162673>

فیلد، سید (۱۳۷۸)، *راهنمای فیلمنامه‌نویس*، ترجمه عباس اکبری، تهران: ساقی.

فیلد، سید (۱۳۷۸)، *چگونه فیلمنامه بنویسیم*، ترجمه عباس اکبری و مسعود مدنی تهران: ساقی.

ژمک کی، رابرت (۱۳۹۴)، *داستان، ساختار، سبک و اصول فیلمنامه‌نویسی*، ترجمه محمد گذرآبادی، تهران: هرمس.

وصله‌چی، واحد و فدایی، مهری (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه فرهنگ و مسکن. کنفرانس ملی پژوهش‌های

کاربردی در عمران معماری و شهرسازی». <https://sid.ir/paper/895290/fa>

Albertella, L., Le Pelley, M. E., Chamberlain, S. R., Westbrook, F., Lee, R. S. C., Fontenelle, L. F., Grant, J. E., Segrave, R. A., McTavish, E., & Yücel, M. (2020), Reward-related attentional capture and cognitive inflexibility interact to determine greater severity of compulsivity-related problems. *Journal of behavior therapy and experimental psychiatry*, 69, 101580.

- American Psychiatric Association. (2021), *Diagnostic and statistical manual of mental disorders text revised*. Washington DC: American Psychiatric Pub.
- Daly, P. J. (2021), *Connections between the enneagram personality type of Christian University presidents and provosts with student enrollment*. MA Research, Liberty University ProQuest.
- Dimaggio, G., Popolo, R., Montano, A., Velotti, P., Perrini, F., Buonocore, L., Garofalo, C., D'Aguanno, M., & Salvatore, G. (2017), Emotion dysregulation symptoms, and interpersonal problems as independent predictors of a broad range of personality disorders in an outpatient sample. *psychology and psychotherapy*, 90(4), 586-599.
- Ekselius, L. (2018), Personality disorder: a disease in disguise. *Upsala Journal of Medical Sciences*, 123(4), 194-204.
- Fineberg, N. A., Potenza, M. N., Chamberlain, S. R., Berlin, H. A., Menzies, L., Bechara, A., Sahakian, B. J., Robbins, T. W., Bullmore, E. T., & Hollander, E. (2010), Probing compulsive and impulsive behaviors, from animal models to endophenotypes: a narrative review. *Neuropsychopharmacology: official publication of the American College of Neuropsychopharmacology*, 35(3), 591-604.
- Garofalo, C., Velotti, P., Callea, A., Popolo, R., Salvatore, G., Cavallo, F., & Dimaggio, G. (2018), Emotion dysregulation, impulsivity and personality disorder traits: A community sample study. *Psychiatry Research*, 266.186-192.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005), Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288.
- Khairunas, S., Mirani, R., & Wardani, E. (2018), Personality Of Main Character in Jobs Film Directed by Joshua Michael Stern. *Wanastra*, 10(2), 35-46.
- Kooler, J. (2021), *Writing Accurate Portrayals of Mental Health on Screen*. Available from: [www.creativescreenwriting.com](http://www.creativescreenwriting.com).
- Nurzaman, F., & Permaludin, U. (2020), Kinds of personality disorders in "inside out" movie script. *CAL Journal*, 2(1), 56 -67.
- Owoh, M. (2019), *Exploring personality disorder through creativity in the movie's "acrimony" and "orphan"*. Prayer City: Mountain Top University.
- Śmieja, M., Orzechowski, J., & Stolarski, M. S. (2014), TIE: An ability test of emotional intelligence. *PLoS One*, 9(7), e103484.
- Skryabin, V. (2021), Analyzing Joker: An attempt to establish diagnosis for a film icon. *BJPpsych Bulletin*, 45(6), 329-332.
- Suhendar, H. A. (2018), An analysis on antisocial personality disorder of Kevin in "we need to talk about Kevin movie directed" by Lynne Ramsay. *Journal of English Language and Literature*, 3(01), 113-128.